رواق شهیدان

روحانی شهید حسن عسگری رشتی

روحانی‌ای که در حادثه حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۴۲ شمسی حاضر بود و توانست، جان سالم به در ببرد. پس از آن مدتی مخفیانه زندگی کرد؛ ولی با فتوای امام خمینی‌ﷺ مبنی بر حرام بودن تقیه و وجوب ابراز حقایق، از قم به گیلان رفت و فعالیت‌های سیاسی‌اش را آغاز نمود. بارها و بارها از سوی ساواک دستگیر و اذیت شد؛ ولی تا طلوع فجر انقلاب در وسط میدان جهاد تبیین بود.

• تولد و تحصیل

شهید ترور حجت‌الاسلام حسن عسگری در سال ۱۳۳۲ شمسی در خانواده‌ای متدین و اصیل در منطقه رشت متولد شد.

او تا ششم ابتدایی خواند و پس از آن خواست تا تربیت دینی و نبوغ فکری خودش را در حوزه علمیه شکوفا نماید؛ به‌همین منظور ابتدا در حوزه آستانه اشرفیه و بعد در حوزه علمیه قم و مشهد به تحصیل دانش و تقوا مشغول گردید و با فیوضات فرهنگ و آموزه‌های عمیق تشیع در مدارس علمیه خود را تربیت نمود. او در مشهد به شهید هاشمی‌نژاد نزدیک شد و از او استفاده کرد.

• اخلاق شهید در سایه‌سار کلماتش

در مورد فضایل اخلاقی شهید عسگری مطلبی یافت نشد؛ اما در سایه‌سار کلمات به‌جامانده از شهید، می‌توان تا حدی به روحیات شهید پی برد. او نوشت: مؤمن همیشه کم‌حرف است؛ اما عمل و کارش زیاد است؛ ولی منافق بسیار شعار می‌دهد؛ ولی عملش کم است. بالاترین پرهیزگاری این است که انسان در پنهان از خدا بترسد. بخل برای انسان باشرافت ننگ است.

عاقل زیاد فکر می‌کند و از سکوت او می‌توان به فکر کردن او پی برد؛ برعکس، جاهل زیاد حرف می‌زند.

• جهاد سیاسی

از اوایل ورودش به حوزه مبارکه قم، با امام خمینی‌ﷺ و افکار نابش آشنا و مجذوب آن شد و در پی آن، فعالیت‌های سیاسی‌اش را در کنار تحصیل آغاز نمود. پخش اعلامیه و نوارهای امام خمینی‌ﷺ و شرکت در جلسات مخفی سیاسی او را بارها در دام ساواک انداخت. از شاهدان و حاضران حادثه تاریخی حمله رژیم به مدسه فیضیه و قتل عام طلاب بود؛ ولی با مهارت از چنگ آنان گریخت و مدتی مخفی می‌زیست.

او وقتی اوضاع قم را برای خودش ناامن دید، به مشهد رفت و از شاگردان و نزدیکان شهید هاشمی‌نژاد گردید. فعالیت سیاسی‌اش را در آنجا پی گرفت و اسناد به‌جامانده از فعالیت مؤثر و جدیت او در این راه حکایت می‌کند.

• سازندگی کشور پس از انقلاب

کمی قبل از انقلاب به زادگاهش رفت و به روشنگری اوضاع سیاسی کشور پرداخت. با آنکه علم و دانش در نزد او اهمیت بسیاری داشت؛ ولی پس از طلوع انقلاب، فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیری داشت. او با همکاری جوانان منطقه ابتدا کمیته انقلاب اسلامی و سپس بسیج سپاه پاسداران آنجا را تأسیس نمود. او با سامان دادن مردم در روستاهای مختلف منطقه، پایگاه‌های مقاومت و انجمن اسلامی را برای فعالیت فرهنگی به راه انداخت و خود مسئولیت امامت جماعت را به عهده گرفت و مدتی بعد، بنیاد مسکن کوچصفهان را شکل داد. شهید مدتی نیز به‌عنوان نماینده امام خمینی‌ﷺ در جهاد سازندگی حضور داشت تا اینکه مسئولیت سرپرستی کمیته امداد امام خمینی‌ﷺ آن منطقه را برعهده گرفت و حامی نیازمندان شد.

• جهاد و شهادت

وقتی مسئله جنگ تحمیلی پیش آمد، شهید عسگری از نخستین روحانیونی بود که با پشت پا زدن به تمام مسئولیت‌ها و آقایی‌های مادی، خود را به جمع نورانی رزمندگان اسلام در جبهه رساند. او مدت سه‌ماه در کنار دیگر رزمندگان به دفاع از دین و میهن مشغول بود. وقتی به زادگاهش برگشت، جو منطقه برای افراد حزب‌اللهی و انقلابی ناامن شده بود و لذا به ایشان پیشنهاد حفاظت داده می‌شود که شهید با توکل کردن به خدا قبول نمی‌کند.

عاقبت این روحانی مخلص پس از کار در مزرعه کشاورزی و اقامه نماز جماعت مغرب و عشا در تیرماه سال ۶۰، در حیاط منزل مسکونی‌اش توسط منافقین مورد حمله قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد.

عاش سعیداً و مات شهیداً.

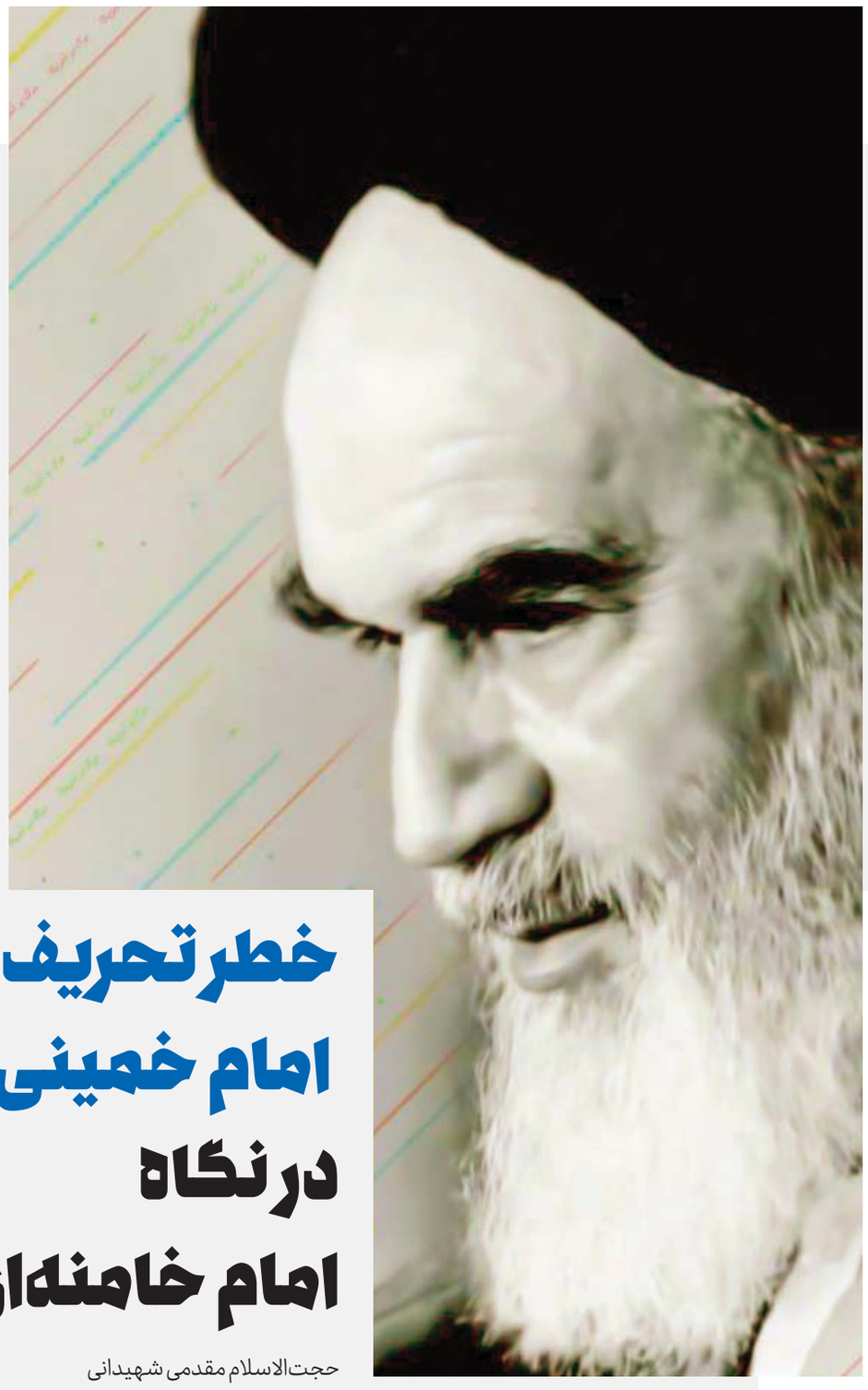

خطر تحریف امام خمینی قدس‌سره در نگاه امام خامنه‌ای

حجت‌الاسلام مقدمی شهیدانی

مقاله

رهبر حکیم و دوراندیش انقلاب اسلامی «تحریف تاریخ» را به‌عنوان یکی از اهداف اساسی دشمن می‌داند که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، بر آن تمرکز داشته است و در مقام تقابل با آن، نباید سکوت کرد و همگان وظیفه دارند، تبیین کنند:

«امروز دشمن، درست در موضع مقابل این نقطه اساسیِ اسلامی کار می‌کند. از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهمّ دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود.

اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا می‌شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می‌کرد، می‌دیدید، فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می‌شود. امروز نیز همین‌طور است. امروز هم، اگر در داخل کشور کسانی به‌خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشد، می‌بینید که در دنیا از طرف دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار برای او هورا می‌کشند و او را تشویق می‌کنند! تبیین، موضوع بسیار مهمّی است. انسان‌ها تابع بینش و دید خودشان هستند.

اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدسات و مجاهدت‌های این ملت قلم‌فرسایی کنند و چیزی بنویسند؛ اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور – یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا – اظهارنظری کنند و ریشی بجنبانند؛ اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند؛ می‌بینید مورد تشویق رادیوها و سیاست‌مداران و نویسندگان خارجی قرار می‌گیرند.

امروز همه افراد – چه کسانی که بیانات‌شان در حوزه‌های وسیع کاربُرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچک‌تر سخنان‌شان مؤثّر واقع می‌شود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و غیره – مسئولند و اگر دیدند، حقایق و محکمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می‌کرد و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.»[1]

رهبر معظم انقلاب اسلامی، سیره و حساسیت‌های امام خمینی‌ﷺ در امر خطیر تاریخ‌نگاری را پیگیری نمودند و در ضمن بیان تذکارهای صریح پیرامون پروژه تحریف تاریخ، هدف از آن را زیر سؤال بردن اصل انقلاب اسلامی می‌شمارند:

«یک عواملی وجود دارد که به ما کمک می‌کند، یک موانعی هم وجود دارد که باید به آن موانع توجّه داشت... موانع بیرونی هم داریم؛ عمده موانع بیرونی، تزریق نومیدی، القای ناتوانی و مانند این‌هاست... تبیین‌های دروغ؛ مسائلی را تبیین می‌کنند، تبیین‌های خلاف واقع. تحریف حقایق تاریخی؛ البتّه این مال حالا نیست، چند سال است یک حرکت موذیانه‌ای شروع شده در تطهیر رژیم طاغوت، رژیم پهلوی.

حالا ای کاش یک چیزی بود که قابل تطهیر بود، قابل تطهیر هم نیست! همان‌هایی هم که چیز می‌نویسند راجع به شخصیّت‌های آنها، با این‌که خب خیلی سعی می‌کنند، اطرافش را جمع بکنند، درعین‌حال ناچار به یک چیزهایی اعتراف می‌کنند. یک رژیمی که هم فاسد بود، هم ضعیف بود، هم وابسته بود، هم منحرف بود، هم به‌شدّت غیرمردمی بود، هم به‌شدّت افرادش و اشخاصش سودطلبِ شخصی بودند، قابل دفاع است؟ هویدا قابل دفاع است؟ محمّدرضا قابل دفاع است؟ خب، شما آن دوره را که ندیده‌اید؛ یک حرکتی در این زمینه دارد انجام می‌گیرد و هدفش این است که یک جوانِ امروز بگوید: «عجب! این‌ها آدم‌های بدی نبودند، اوضاع بدی نبود؛ پس چرا انقلاب کردید؟»؛ اصلاً همه برمی‌گردد به مسئله زیر سؤال بردن انقلاب؛ این‌ها از خارج دارد انجام می‌گیرد.»[2]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، علاوه بر هشدار نسبت به تحریف تاریخ انقلاب اسلامی و تطهیر پهلوی، به‌طور خاص نسبت به تحریف امام خمینی نیز هشدار داده و می‌فرمایند:

«آنچه امروز به شما عرض می‌کنم، تحت عنوان «تحریف شخصیّت امام» است. آیا شخصیّت‌ها هم قابل تحریفند؟

معمولاً عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره تحریف متون به‌کار می‌بریم؛ آیا شخصیّت‌ها را هم می‌شود تحریف کرد؟ بله. تحریف شخصیّت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیّت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به‌صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه این‌ها برمی‌گردد به تحریف شخصیّت. شخصیّتی که الگوست، امام و پیشواست، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود، زیان بزرگی به‌وجود خواهد آمد.»[3]

مقام معظم رهبری، راه نجات ملت ایران و دستیابی به اهداف عالیه را در شناخت مبانی و اصول و راه امام خمینی‌ﷺ می‌داند و مقدمه آن را هوشیاری نسبت به پروژه تحریف امام برمی‌شمارند:

«اگر ملّت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیّت امام را تحریف کنند که تحریف شخصیّت امام، تحریف راه امام، منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملّت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملّت ایران سیلی خواهد خورد.»[4]

ایشان با اشاره به خصومت‌های گسترده دشمنان ملت ایران و خطرات ناشی از این تکاپوی خصمانه گسترده، عدم توجه به «تحریف امام» را مقدمه متوجه شدن خطرات دشمن به ملت ایران می‌دانند و می‌فرمایند:

«...اینجاست که خطر تحریف امام، اهمّیّت پیدا می‌کند؛ اگر شخصیّت امام تحریف شد، بد معرّفی شد، غلط معرّفی شد، همه این خطرات بزرگ، متوجّه ملّت ایران خواهد شد؛ اینجاست که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار، باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه به این راه دارند و عموم جوانان، فرزانگان، دانشگاهیان و حوزویان تلقّی بشود.»[5]

جالب آنکه در منظر مقام معظم رهبری، مسأله تحریف امام، هم منشأ بیرونی دارد و هم منشأ داخلی! و جالب‌تر آنکه به فرموده ایشان، دامنه تحریف امام مربوط به زمان بعد از ارتحال امام نبوده؛ بلکه در زمان حیات ایشان نیز، تحریف امام با انگیزه‌های مختلف جریان داشت:

«در زمان حیات امام هم، برای تحریف شخصیّت امام کار می‌شد؛ از یک‌طرف دشمن بود که از اوّل انقلاب سعی کرد، در تبلیغات جهانی خود امام را به‌صورت یک انقلابی خشک و خشن – از نوع آنچه در تاریخ انقلاب‌های بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و بعضی از انقلاب‌های دیگر می‌شناسیم – معرّفی کند؛ یک انسانی که خشک است و خشن است و گره ابروی او باز نمی‌شود و صرفاً نگاه می‌کند به مقابله با دشمن و هیچ عاطفه‌ای، هیچ انعطافی در او نیست؛ امام را این‌جوری معرّفی می‌کردند که این غلط بود. بله، امام قاطع بود، غیرمتزلزل بود، در تصمیم خود، انسانی راسخ بود؛ لکن مظهر عاطفه بود، مظهر لطافت بود، مظهر محبّت بود، مظهر دلداری و دلدادگی در مقابل خدا و در مقابل خلق خدا، به‌خصوص نسبت به قشرهای مظلوم و مستضعف جامعه بود؛ این کاری بود که دشمن از روز اوّل در انقلاب ما، در تبلیغات جهانی نسبت به امام انجام می‌داد. در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته [شخصیّت امام را] تحریف می‌کردند؛ حتّی زمان حیات خود امام. هر حرفی را که به‌نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت می‌دادند؛ درحالی‌که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم، همین جریان ادامه داشته است؛ حتّی تا آنجایی که بعضی حرف‌ها و بعضی اظهارات، امام را به‌صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتّی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد، معرّفی می‌کنند؛ این هم به‌شدّت غلط و خلاف واقع است.»[6]

مقام معظم رهبری اعمال سلیقه و تحمیل برداشت‌های شخصی در معرفی امام خمینی‌ﷺ را یکی از زمینه‌های تحریف امام می‌شمارد و راه رهایی از تحریف را توجه به اصول و مبانی و محکمات امام می‌داند و چنین می‌فرماید:

«ما اگر بخواهیم شخصیّت امام را به‌معنای واقعی کلمه پیدا کنیم، این راه دارد؛ اگر ما این راه را رفتیم، مطلب حل خواهد شد؛ والّا امروز کسانی می‌آیند، طبق میل خود و سلیقه خود، یک‌جور امام را معرّفی می‌کنند. ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلایق دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرّفی کنند؛ این نمی‌شود. محبوبیّت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را دشمن نتوانست از بین ببرد؛ برای همین، مسئله تحریف شخصیّت امامِ نافذ در دل‌های مردمان زیادی – در کشور و بیرون از کشور – خطر بزرگی محسوب می‌شود.

آن راهی که می‌تواند، مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است.»[7]

توجه به نکات پیش‌گفته، نشان‌گر آن است که در مقام عمل به فریضه «جهاد تبیین» در عرصه تاریخ‌نگاری، بیش از هر چیز باید به مقابله با تحریفات تاریخی و خصوصاً تحریف امام تمرکز کرد. در این مسیر نیز، اتخاذ رویکرد مسئله‌محور، از ضروریات است. فریضه «جهاد تبیین» اقتضای آن دارد که پیش از تاریخ‌نگاری، به مسئله‌شناسی و شبهه‌یابی و تحریف‌شناسی اقدام و قیام شود تا تاریخ‌نگاری ناظر به شبهات و تحریفات، سامان یابد و به حل معضلات ذهنی مخاطبان بینجامد. از آنجا که اساساً جهاد در تلازم با تکاپوی دشمن قابل تصویر است و در حال حاضر، تمرکز دشمن بر تولید و ترویج شبهات تاریخی و تولید آثار تحریف‌آمیز قرار گرفته و موریانه‌وار در صدد نابودی حافظه تاریخی مردم مسلمان و قهرمان ایران برآمده‌اند، لازمه جهادگری در عرصه تاریخ‌نگاری، اهتمام جدی بر مقابله با تحریفات تاریخی است.

گرچه به‌لطف انذارهای صریح امام خمینی‌ﷺ و بیدارگری‌های دائمی رهبری معظم انقلاب اسلامی و نیز مجاهدت‌های خاموش تاریخ‌نگاران انقلابی، تاکنون خطر تحریف تاریخ انقلاب اسلامی و تحریف امام، به‌صورت سازمان‌یافته و ساختارمند تحقق نیافته؛ اما برخی بی‌مبالاتی‌ها، غفلت‌ها و چه‌بسا برخی کارشکنی‌ها، موجب آن شده که با تولید و ترویج گسترده برخی آثار مخدوش و تحریف‌آمیز توسط برخی عناصر موجه و مراکز رسمی داخلی، حافظه تاریخی ملت ایران در معرض خطر «تحریف سازمان‌یافته و سیستماتیک» قرار گیرد.

و این موضوع اقتضای آن را دارد که مسئولان ارشد نظام در عمل به انذارهای امام و رهبری در مسئله تحریف، با جدّیت ورود کنند و نهادهای انقلابی و مراکز رسمی متولی امر تاریخ‌نگاری را در مقابل این خطر بنیان‌برکن مصون نگه دارند. کتاب «الف لام خمینی» در این زمینه، نمونه قابل تأملی است که بازخوانی انتقادی متن آن نشان می‌دهد، اولاً پدیده تحریف تاریخ در منابع داخلی، تا چه اندازه عمیق و گسترده است. ثانیاً تکلیف تاریخ‌پژوهان متعهد و انقلابی تا چه اندازه خطیر و دشوار است. سرگذشت کتاب مزبور از جهاتی شبیه به «صحیفه نور» است که در تیراژ وسیع منتشر گردید و متأسفانه حاوی اغلاط فاحش بود.[8] در همان زمان استاد سیدحمید روحانی به‌حسب وظیفه اسلامی و انقلابی خود به میدان آمد و با نگارش مقاله‌ای صریح، به ذکر برخی اغلاط فاحش این اثر پرداخت[9] که منجر به بازنگاری آن زیر نظر ایشان گردید و در قالب «صحیفه امام» منتشر شد.

• پی‌نوشت‌ها

۱. بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی‌ﷺ در ۱۳۸۰/۳/۱۴؛

۲. بیانات در جمع دانشجویان در حسینیه امام خمینی‌ﷺ در ۹۷/۳/۷؛

۳. بیانات در در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی در ۱۳۹۴/۳/۱۴؛

۴. همان؛

۵. همان.

۶. بیانات در در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی در ۱۳۹۴/۳/۱۴؛

۷. بیانات در در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی در ۱۳۹۴/۳/۱۴؛

۸. به‌گفته استاد سیدحمید روحانی، «صحیفه نور» زیر نظر آقای سیدمحمد خاتمی تنظیم شده بود!؛

۹. «هشدار! تاریخ انقلاب اسلامی در گرداب ضد و نقیض‌گوئی‌ها و وارونه‌نویسی‌ها»؛ فصلنامه فرهنگی، سیاسی، تاریخی ۱۵ خرداد، شماره۱۸، سال چهارم، بهار۱۳۷۴، ص۶۲-۵۴.

مسئول دبیرخانه شورای‌عالی حوزه‌های علمیه

مبلغان شرایط زمانه را به‌خوبی درک کنند

مسئول دبیرخانه شورای‌عالی حوزه‌های علمیه گفت: مبلغان باید شرایط زمانه را به‌خوبی درک کنند؛ چراکه تبلیغ امروزه ظرافت‌های خاص خود را می‌طلبد و اگر این ظرافت‌ها رعایت نشود؛ چه‌بسا نتیجه معکوس نیز داشته باشد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای عالی حوزه‌های علمیه، حجت‌الاسلام والمسلمین حسین رحیمیان، در جریان بازدید از مجتمع آموزشی-پژوهشی تبلیغ، در جمع مدیران و کارکنان این مجتمع، گفت: شرایط امروز ما نسبت به گذشته متفاوت است و کار تبلیغ خیلی مشکل شده است؛ به‌خصوص در فضای مجازی؛ لذا این مجموعه باید فعال‌تر، به‌روزتر و پرانرژی‌تر از گذشته فعالیت کند.

وی اثرگذاری تبلیغ را در گروی شناخت ظرافت‌های آن ارزیابی کرد و افزود: مبلغان باید شرایط زمانه را به‌خوبی درک کنند؛ چراکه تبلیغ امروزه ظرافت‌های خاص خود را می‌طلبد و اگر این ظرافت‌ها رعایت نشود، چه‌بسا نتیجه معکوس نیز داشته باشد.

رئیس هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ادامه داد: شناخت و درک نیاز، زبان، ادبیات و علاقه توده جامعه و به‌خصوص نسل جوان، در اثرگذاری تبلیغ بسیار ضروری است. برای تثبیت ارزش‌ها باید از ادبیات مناسب استفاده کرد و با دستوری صحبت کردن نمی‌توان نتیجه گرفت.

وی دغدغه‌مندی نسبت به وضعیت فرهنگی جامعه را نعمتی الهی توصیف و اظهار کرد: دغدغه‌مندی نسبت به ارزش‌ها، نعمت ویژه الهی است که با آن می‌توان رشد و ارتقا پیدا کرد و به یک شرایط ایده‌آل دست یافت.

حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان افزود: طلبگی ما ایجاب می‌کند که دغدغه‌هایی داشته باشیم که کمتر کسی دارد. عمده کسانی که توانسته‌اند، کارهای بزرگ انجام دهند، مانند امام خمینی‌ﷺ، انسان‌هایی بوده‌اند که اولاً دغدغه‌مند بوده‌اند و ثانیاً در یک شرایط ویژه و خاص قرار گرفته‌اند.

وی افزود: کسانی که در امر تبلیغ فعالیت می‌کنند، نباید منابع متقن و دست اول را فراموش کنند. نباید از سرچشمه‌های جوشان غافل شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان، افزایش قدرت اقناع را عنصری کلیدی در اثرگذاری فعالیت‌های تبلیغی عنوان و ابراز کرد: باید قدرت اقناع‌سازی خود را در تمام زمینه‌های تبلیغی افزایش دهیم و نباید از هنر و مهارت‌های مختلف در این راه غافل شویم.

وی در پایان ابراز کرد: امیدواریم این مجموعه در مقابل تمامی هجمه‌هایی که وجود دارد، تأثیرگذار باشد و در نهایت این خداوند است که حجت خود را تمام خواهد کرد «وکلمة‌الله هی العلیا.»